

کارهای شما، از این ناحیه شروع شده است؟

ج-منصور اسالو: دقیقا! من از روز اول بازجویی همین را گفته ام که همه تلاش شما از پرونده سازی علیه من و همکارانم اینست که می خواهید سندیکا را منحل و تعطیل کنید و تمام این پرونده سازی و محکمه ناشی از فعالیت های کارگری ماست. در حالی که اعتراض های کارگری در چارچوب قوانین بین المللی و داخلی شناخته شده است.

س-الان با توجه به مسایلی که پیش آمده، بازهم جلسات سندیکایی و صنفی دارید یا شکل تان از هم پاشیده است؟

ج-منصور اسالو: خیر! ما هر هفته در منازل همکاران و جاهایی که تا حد کمی می توان از امکانات عمومی استفاده کرد، جلسه داریم. کارت هایی هست که به همکاران برای کمک مالی لده می شود تا خانواده کارگرانی که بیکار شده اند و ۱۳ ماه است حقوق و مزایا ندارند، بتوانند نلزمندی های خود را تامین کنند.

سندیکا هنوز به کارش ادامه می دهد و ما خوشحالیم که دستاوردهایی از جمله افزایش ۳۰ درصدی حقوق ها در شرکت واحد، رسمی شدن کارگران قراردادی، گرفتن دو دست لباس طبق پیمان های دسته جمعی مثل کت و شلوار و جلیقه و پیراهن و شلوار گر داشته ایم. اینها همه با تلاش های سندیکا از سال ۴۷ شمسی بوده است. سندیکا نپاشیده، اما فشار زیادی به همکاران ما وارد می کند. آنها را به اداره حراست و جاهای دیگری برند و تهدید می کنند که ارتباط با سندیکا

نداشته باشند، اما آنها سندیکا را نمایندند و روح حاکم بر حق طلبی خود می دانند. خوشبختانه این حق طلبی ما به گفته ای بوده که پیشداوری منفی نسبت به ما در میان برخی مسئولین نظام هم دارد رنگ می بازد. تلاش های ما در ادارات کار به اینجا رسیده که طبق قانون ۵۰ درصد دستمزد و حقوق کارگران اخراجی پرداخت شود. البته هنوز رای نهایی در هیات حل اختلاف و دیوان عدالت اداری صادر نشده، ولی تا صدور این رای کارفرما موظف است تا ۵۰ درصد حقوق و دستمزد را بپردازد

ما دیروز لمه ای از دادگاه حقوق شهروندی برای مدیر شرکت واحد و مدیر سازمان کار و آموزش فنی حرفه ای تهران بردیم که الان هم آقای مددی دنبال کار آن است. امیدواریم بتوانیم با روشنگری هایی که کرده ایم و آشنا شدن برخی مسئولین با حقوق قانونی کارگران، حقوق همکاران اخراجی خود را استیفا کنیم تا آن گونه که قول داده اند، این گروه از همکاران ما پس از ۱۳، ۱۴ ماه بیکاری، قسمتی از حقوق تضییق شده خود را دریافت کنند

۲۰۰ کارگر نساجی کردستان مقابل اداره کار استان تجمع کردند

سنندج - خبرگزاری کار ایران

حدود ۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه نساجی کردستان بار دیگر مقابل اداره کار استان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، "جبار خدامرادی"، یکی از نمایندگان کارگران نساجی کردستان گفت: در تاریخ ۸۵/۱۱/۲۹ سه نفر از

نمایندگان کارگران به منظور مذاکره با مسوولین صندوق مهرضا در خصوص پرداخت تسهیلات اعزم تهران شدند، اما به جای حل این مشکل، مسوول صندوق در تهران، از رییس صندوق مهررضای کردستان سلب اختیار کرد. خدامرادی افزود: قرار بر این شد که دو نفر نماینده تسهیلات و بازرسی، از سوی صندوق مهررضای تهران به منظور بررسی پرونده ها در روز شنبه ۸۵/۱۲/۵ به سنندج اعزام شوند و در اداره کار استان، جلسه ای با حضور نمایندگان کارگران تشکیل شود.

وی گفت: مشکلات ما به دست رییس اداره کار استان قابل حل است، ولی نمی دانیم چرا او بدون دلیل کار را به تهران ارجاع داده است. شیث امانی دیگر نماینده کارگران گفت: در تاریخ ۸۵/۹/۵ تفاهم لمه ای بین صندوق مهر رضا و مسوولان وزارت کار و اداره کار استان منعقد و مقرر شد به ۱۰۰ نفر از کارگران تسهیلات ۱۰ میلیون تومانی پرداخت شود.

امانی افزود: در این تفاهمنامه مقرر شد این تسهیلات بدون استثنا و قید و شرط در مدت یک ماه به کارگران پرداخت شود، اما با گذشت سه ماه از تکمیل پرونده کارگران، اکنون صندوق مهر رضا در تهران از پرداخت آن خودداری می کند.

وی گفت: مسوولین صندوق مهررضا در تهران طی نامه شماره ۱۲۸/۱۵/۲۶۳۷ مورخ ۸۵/۱۱/۲۹ از مسوول صندوق در سنندج در خصوص پرداخت تسهیلات به کارگران سلب اختیار نمودند. وی بیان داشت: اکنون کارگران نسبت به این عمل مسوولین صندوق معترض و

۸ ایالت ایالات متحده آمریکا که مردمش با فقر شدید مواجه اند و با ذکر تعداد فقرا عبارتند از:

کالیفرنیا با ۱.۹۰۰ هزار نفر، تگزاس با ۱.۶۰۰ هزار نفر، نیویورک با ۱.۲۰۰ هزار نفر، فلوریدا با ۹۴۳.۶۷۸ نفر، ایلینویز با ۶۸۱.۷۸۶ نفر، اوهایو با ۶۵۷.۴۱۵ نفر، میشیگان با ۵۷۶.۴۱۵ نفر و کارولینای شمالی با ۵۲۳.۵۱۱ نفر.

از مقاله Tony Pugh در Znet تلخیص
۲۴، فوریه ۲۰۰۷ فریده ثابتی

ممنوع بودن اعتصاب سیاسی در آلمان؛

چرا؟ چگونه؟ چه وقت؟

فریده ثابتی

برای پاسخ دادن به سؤال باید به تاریخ جنبش کارگری در آلمان رجوع کنیم تا متوجه شویم که چرا اعتصاب سیاسی با وجودی که حتی سازمان جهانی کار که آلمان نیز در آن عضویت دارد، آن را به عنوان اعتصاب در انتقاد به سیاست های اقتصادی و اجتماعی دولت مجاز می داند، در آلمان ممنوع شد: هر مبارزه طبقاتی یک مبارزه سیاسی است (

مانیفست کمونیست)، طبقه کارگر به عنوان طبقه ای در مقابل طبقه سرمایه دار که همه ی ابزارهای قدرت را در اختیار دارد، برای پیش برد اهداف خود در مبارزه و برای حفظ، تداوم و ارتقا

وضع فقر در آمریکا

فریده ثابتی

طی ۳۲ سال گذشته میلیون ها کارکن آمریکایی به فقر غلتیده اند و شکاف بین دارا و ندار عمیقتر شده است. حدود ۱۶ میلیون آمریکایی در فقر عمیق یا شدید زندگی می کنند. یک خانواده چهارنفره شامل دو بچه اگر درآمد سالانه ی کمتر از ۹.۹۰۳ - نصف تلخیص خط فقر فدرال - داشته باشد در فقر شدید است. وهمین گونه است برای افراد تنهایی که سالانه کم تر از ۵.۰۸۰ دلار درآمد داشته باشند.

شمار آمریکایی های بسیار فقیر از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ به میزان ۲۶٪ رشد داشته است. درصد فقرا در ۶۵ شهرستان از ۲۱۵ شهرستان بزرگ آمریکا و هم در ۲۸ ایالت از ایالات متحده افزایش یافته است. بارآوری کار شدیداً افزایش یافته اما دستمزدها و مشاغل از بحران کوتاه ۲۰۰۱ به بعد از آن عقب مانده است. شرایط موجود سبب گردیده که ۴۳٪ از ۳۸ میلیون مردم فقیر آمریکا، به فقر شدید دچار شوند. یک نفر از هر سه فرد فقیر کوچک تر از ۱۷ سال است و حدود ۲ نفر از هر سه نفر فقیر را زنان تشکیل می دهند.

خانواده های زن سرپرست و دارای بچه، بخش بزرگی ازین فقرا را تشکیل می دهند. در سال ۲۰۰۶ مردم بسیار فقیر آمریکا درآمد سالانه ای کم تر از ۵.۲۴۴ دلار داشته اند.

نگران هستند و اظهار می دارند که اگر کسی در راستای کمک به کارگران گام بومی دارد، باید بلافاصله سلب مسوولیت شود.

جمعی از کارگران حاضر در این تجمع با صدای رسا و بلند اعلام کردند، چرا برای پرداخت تسهیلاتی که از قبل طی تفاهم نامه بین مسوولین اداره کار و صندوق مهررضا منعقد شده، باید بازرسی ویژه و مسوول تسهیلات به سنندج اعزام شود، مگر برای پرداخت تسهیلات به سایر اقشار مردم، از مرکز بازرسی ویژه اعزام می شود، اگر این طور است خدا به داد مردم برسد.

کارگران ضمن اعتراض به روش پرداخت این تسهیلات اعلام داشتند: گویا مسوولین دوست ندارند مشکل کارگران حل شود.

آنان اعلام می داشتند: تا تحقق تمام خواسته های به حق خود و پرداخت وام به تمامی کارگران و رسیدگی به پرونده پزشکی که در جریان کار سخت و زیان آور متحمل شده ایم، به اعتراض و تجمع خود ادامه می دهیم.

رییس صندوق مهررضا در کردستان، در خصوص سلب اختیاراتش در مورد پرداخت تسهیلات به کارگران، گفت: بدون هیچ دلیلی از من سلب اختیار شده است.

"خانی" تصریح کرد: این در حالی است که ۸۰ درصد کار پرداخت تسهیلات در استان انجام شده و اگر سلب اختیار نمی شدم، در چند روز آینده ۲۰ درصد دیگر کار پرداخت این تسهیلات به کارگران انجام می گرفت.

پایان پیام کد خبر: ۳۹۷۳۴۷

اطلاعیه شماره ۴

نه به ارتجاع، نه به امپریالیسم، ما در حال خلق جهانی دیگر هستیم!

از راهپیمائی "کارزار مبارزه برای لغو کلیه قوانین نابرابر و مجازات های اسلامی علیه زنان" حمایت کنید

"کارزار مبارزه برای لغو کلیه قوانین نابرابر و مجازات های اسلامی علیه زنان" در ماه مارس ۲۰۰۶ با تدارک و برگزاری یک راهپیمایی پنج روزه از آلمان به هلند و یک تظاهرات گسترده در شهر لاهه در روز ۸ مارس تولد افقی تازه در تاریخ جنبش زنان ایرانی را نوید داد. این حرکت بی نظیر در عین حال ورق مهمی را در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی از یک سو و مبارزه بر علیه سیاست های جنگ افروزانه نیروهای امپریالیستی از سوی دیگر گشود. کارزار زنان موفق شد پرچمدار نخستین مبارزه رادیکال و سازمان یافته با حضور تشکل ها و افراد از طیف های سیاسی و نظری متنوع و از کشورهای گوناگون جهت لغو کلیه قوانین نابرابر و مجازات های اسلامی علیه زنان گردد و پختگی سیاسی نوینی را در طرح موثر شعارنه به جمهوری اسلامی نه به جنگ امپریالیستی به نمایش گذارد و نشان دهد که زنان ایرانی، عراقی و افغانی برای گرفتن حقوق برابر با مردان و مبارزه با ستم و استثمار جنسی بر علیه زنان باید در مسیر مبارزه برای سرنگونی حکومت ها و نیروهای ارتجاعی-اسلامی از یک سو و مبارزه با نیروهای اشغالگر

کمونیست های شرق خواند. سپس مجلس قانونی را به تصویب رساند که طی آن اعتصابات کارگری به دو دسته اعتصابات مجاز و غیرمجاز تقسیم شد.

اعتصابات مجاز شامل اعتصاب در محدوده مسایل کار و مزد خوانده شد و اعتصابات دیگر از جمله اعتصاب در انتقاد به سیاست های دولت، اعتصاب حمایتی، اعتصاب اعلام نشده بدون مجوز، اعتصاب کارمندان دولت و اشغال کارخانه ها ممنوع اعلام شد. با وجود این قانون اما اعتصابات ازین نوع هیچ گاه به طور مطلق کنار گذاشته نشد که به مهم ترین آن ها اشاره می کنم:

ماه مه ۱۹۵۲ اعتصاب ۳۵۰ هزار کارگر در اعتراض به قانون اساسی کارگاه ها

ژانویه ۱۹۵۵ اعتصاب ۸۵۰ هزار کارگر برای مساله حق تصمیم گیری در صنعت ذغال سنگ.

دسامبر ۱۹۵۶ و ژانویه ۱۹۵۷ اعتصاب ۳۰ هزار نفره برای پرداخت دسمتزد به هنگام بیماری.

مارس تا مه ۱۹۵۸ اعتصاب به صورت توقف تولید بر علیه تسلیح اتمی ارتش آلمان.

مه ۱۹۶۸ تحریم کار و تظاهرات علیه قوانین زمان اضطرار.

آوریل ۱۹۷۲ اعتصاب ۱۰۰ هزار نفره در حمایت از ویلی برانت.

مارس ۱۹۸۶ اعتصاب یک میلیونی علیه پارگراف شماره ۱۱۶ ضد اعتصاب

دستاوردهای مبارزاتی خود مهم ترین ابزاری که در دست دارد اعتصاب است. چیزی که نه تنها شیره حیاتی طبقه سرمایه دار یعنی جریان سیال ارزش اضافی را موقتا قطع می کند بلکه می تواند همبستگی طبقاتی را تجدید و تقویت کند و مسیر را برای مبارزات آتی باز نماید. اعتصابات کارگری به عنوان مهم ترین ابزار مبارزه طبقاتی وقتی جنبه عمومی پیدا کند و به اعتصاب توده ای تبدیل شود می تواند سبب تغییرات مهم اجتماعی شود؛ به تغییر دولت و در رادیکال ترین حالتش به انقلاب اجتماعی بینجامد. به عنوان نمونه وقتی در مارس ۱۹۲۰ ژنرال کپ به کمک گارد ارهارد دست به کودتا زد، ۱۲ میلیون کارگر دست به اعتصاب زدند و اعتصاب در ادامه به اعتصاب عمومی تبدیل شد و دولت کودتا سقوط کرد. یا در اکتبر ۱۹۴۹ وقتی دولت به رهبری ادنائر قانون کار کارگاه ها را به مجلس برد، کارگران متال و معدن اعلام اعتصاب کردند. ادنائر در نامه ای به اتحادیه اخطار داد و این اعتصاب را امری سیاسی و درگیر شدن با حکومت خواند اما به هر حال مجبور شد که تا حدودی عقب نشینی نماید و تغییراتی در قانون ایجاد کند. در سال ۱۹۵۲ دوباره در اعتراض به طرح های دولت یک اعتصاب کوتاه چند صد هزار نفره ترتیب یافت که ادنائر آن را تبانی با

امپریالیستی از سوی دیگر حرکت کنند. کارزار زنان همچنین موفق شده است حمایت فعال زنان فمینیست از کشورهای گوناگون از جمله عراق، افغانستان، هندوستان، آمریکا و کشورهای اروپایی را جلب نماید.

امسال نیز کارزار زنان با اتکا به دستاورد با ارزش سال پیش و نیرویی سازمان یافته تر در تدارک راهپیمایی در شهر لاهه در روز ۸ مارس می باشد. در کنار راهپیمایی روز ۸ مارس، کارزار زنان همزمان در تدارک برگزاری آکسیونهای اعتراضی در اروپا و کانادا روز ۳ مارس نیز هست.

تظاهرات سال گذشته بدون حمایت و همکاری تشکلهای - سازمانها و نیروهای ضد امپریالیست - ضد جمهوری اسلامی از همه ملیت ها میسر نبود. امسال نیز موفقیت این حرکت در گرو همکاری و مشارکت آن دسته از سازمانها - تشکلهای نیروهای سیاسی است که در این مقطع حساس مصرند با حرکتی گسترده به جهانیان بگویند که همراه با زنان ایران با شعار نه به جمهوری اسلامی، نه به امپریالیسم، در راه دستاویی به جهانی دیگر مبارزات خود را مصمم تر از قبل پیش خواهند برد.

به راهپیمایی ۸ مارس روز

جهانی زن در دن هاگ - هلند

پیوندید از فراخوان تظاهرات

حمایت کنید در پخش و تکثیر آن با

ما همکاری کنید باشد که همراه،

همدل و هم صدا با یکدیگر تظاهرات

۸ مارس ۲۰۰۷ را به حرکتی تاریخی

از اتحاد همه نیروهای مترقی و

انقلابی و آزادیخواه علیه جمهوری اسلامی - علیه جنگ امپریالیستی و در دفاع قاطع از مبارزات برابری طلب زنان ایران تبدیل کنیم.

کارزار مبارزه برای لغو کلیه قوانین نابرابر و مجازات های اسلامی علیه زنان

برای آگاهی بیشتر از فعالیت های کارزار زنان و تظاهرات ۸ مارس در شهر لاهه به سایت زیر مراجعه نمایید.

www.karzar-zanan.com

برای تماس با ما:

karzar2005@yahoo.com

۲۰۰۷/۰۲/۱۶

چپ نو

سوسیالیسم قرن بیست و یکم

پخش دفاعیات گل سرخی از

تلویزیون حکومتی!

ای سرزمین من، من در

کجای جهان ایستاده ام



شب قبل از ۲۲ بهمن امسال تلویزیون حکومتی چندبار دفاعیات گل سرخی در دادگاه را پخش کرد. جالب اینجاست که تا به حال چنین حرکتی از صدا و سیما صورت نگرفته بود. اما دلیل این امر واضح است. روز به روز که ایدئولوژی حکومت بیشتر رنگ می بازد،

نیاز آنها به دست بردن به سوی ارزشهایی که مورد احترام جامعه اند بیشتر می شود. در سالیان گذشته پخش سرود «ای ایران» از رسانه حکومتی اقدامی عجیب تلقی می شد، اما امسال تلویزیون رسماً دفاعیات یک مارکسیست را پخش می کند! به هر حال از این لحاظ که می دانند که گل سرخی در میان مردم از احترام عمیقی برخوردارست می خواهند به سود خود استفاده کنند و نکته مهم در هم همین جاست: ته کشیدن نظام ارزشی خودشان!

اما در حاشیه یک نکته قابل ذکر است:

پس از پخش دفاعیات گل سرخی از شبکه سوم سیمای حکومتی، شخصی بنام «رحیم پورازغدی» در تلویزیون ظاهر می شود و مدعی می شود که چپگرایانی چون گل سرخی و پویان از روی بی سوادی به سوسیالیسم گرویده بودند!! این شخص ادعا می کند که امیر پرویز پویان و بیژن جزنی از نظر فلسفی بی سواد بودند!! ببینید چه کسی این حرف را می زند: شکنجه گر مشهور رژیم، شخصی که توسط زندانیان سیاسی چهره واقعی اش مورد شناسایی قرار گرفت و مشخص شد که او در دهه شصت زندانیان سیاسی را شکنجه می کرده! این جانی حرفه ای، جزنی را بی سواد می خواند!

آه اسفندیار مغموم

تو را آن به که چشم

فرو پوشیده باشی...

اگر تلویزیون انحصاری رژیم راست می گوید، این را هم به اطلاع عموم برساند که چند نفر هم رزم و هم فکر گل سرخی در دوران جمهوری اسلامی اعدام شدند.

یک نمونه را من از اهواز می گویم: سه روز پیش (۱۸ بهمن) سالروز تیرباران شدن جمعی از دانشجویان دانشگاه جندی شاپور اهواز بود که به جرم هواداری (و نه عضویت) از فداییان (پیشگام) و در پی یورش موسوم به «انقلاب فرهنگی» به دانشگاهها در سال ۱۳۶۰ اعدام شدند. تنها جرم این دانشجویان هواداری از یک جریان غیر نظامی بوده، نه تنها این دانشجویان در تمام عمرشان اسلحه در دست نگرفته بودند، بلکه اصولاً اعتقادی به مبارزه مسلحانه نداشتند، اما ناجوانمردانه تنها به خاطر عقایدشان، با تایید حکم اعدام از سوی حاکم شرع وقت اهواز (آیت الله احمد جنتی) در هیجدهم بهمن ماه ۱۳۶۰ تیرباران شدند. جنتی اینک به ریاست شورای نگهبان قانون اساسی رسیده (!) حتی قوانین جمهوری اسلامی را نیز که بر طبق آنها تنها «محارب با خدا» (یعنی کسی که علیه رژیم اسلامی دست به سلاح ببرد) حکمش اعدام است، را نیز زیر پا گذاشت و در ازای آدمکشی مقام گرفت. نمونه های این چینی بسیار بسیار زیادند، این تنها نمونه ای بود تا چهره واقعی کسانی را که اینک برای خودشیرینی دفاعیات گلسرخی را پخش می کنند را یادآوری کنم.

برخی از رفقا معتقدند که رسانه حکومتی از این رو دادگاه گلسرخی را پخش کرد تا بدینوسیله جریان چپ را «حکومتی» نشان دهد و از اعتبار آن بکاهد. من با این دیدگاه مخالفم. گمان نمی کنم رژیم برای چنین کاری سراغ شخصی چون گلسرخی برود که در میان توده های

مردم (چه سیاسی و چه غیر سیاسی) حکم یک قهرمان را دارد. آنچه گلسرخی را نزد توده ها ارزشمند ساخت فدایی بودن او (نه به معنای سازمانی) بود، ایثار گری، شهامت و از خود گذشتگی ای که از خود در راه افشاگری قدرت حاکم نشان داد بود. گلسرخی آبروی چپ ایران بود. رژیم برای تخریب چپ آدم کم ندارد: توپها و چپ های پلاستیکی را قطعاً می تواند برای این منظور می تواند استفاده کند نه گلسرخی را.

ای کاش رفیق شهید می توانست برخیزد و همان کاری را که در مقابل همتایان سلطنتی اینها کرد به چهره کریه آنها که با پخش فیلم دفاعیات او، قصد بهره برداری و سوء استفاده دارند تف می کرد. کاش رفیق قهرمان زنده بود و به پیفیزی چون «پور ازغدی» - شکنجه گر و آدمکش حرفه ای کثیف رژیم - و شرکاء می فهماند که آخر آنکس که دکترای جنایت گرفته را با اظهار نظر درباره فلسفه جزنی و پویان چه کار؟ که گلسرخی خود درباره سياهکل گفته بود:

ای کاش تمام خیابان شهر جنگل بود...

تجمع کارگران کارخانه نساجی

کردستان در مقابل اداره کل کار

بر اساس قرار قبلی، صبح روز شنبه ۵ اسفند ماه کارگران کارخانه نساجی کردستان بار دیگر در مقابل اداره کل کار استان کردستان تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان شدند.

کارگران شرکت کننده در این تجمع اعتراضی خواستار پاسخگویی و عملی شدن وعده های مسئولین اداره کار شده و در پاسخ به سخنان معاون اداره کار کردستان که به کارگران گفت به شما وام می دهیم به صورت دستجمعی فریاد زدند "ما کار می خواهیم، نه وام".

به دنبال این تجمع نیروهای انتظامی رژیم در محل حاضر شده و کارگران را با تهدید به برخورد شدید متفرق نمودند، اما کارگران بر ادامه اعتراضات خود تا رسیدن به خواسته هایشان تاکید کردند.

گفتنی است که صدها کارگر کارخانه نساجی کردستان طی ۲ ماه گذشته چندین بار در مقابل اداره کار استان کردستان تجمع کرده اند.

تجمع کارگران

کارخانه "یخچالسازی بوژان"

در مقابل استانداری لرستان

کارگران کارخانه "یخچالسازی بوژان" صبح روز دوشنبه ۷ اسفند ماه و برای چندمین بار طی هفته های گذشته در مقابل استانداری لرستان تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان شدند. بیش از ۲۳۰ کارگر کارخانه یخچالسازی بوژان از ۲ سال قبل بیکار شده و تاکنون مطالبات آنان پرداخت نشده است.

کارگران کارخانه مذکور طی ماههای گذشته چندین بار در مقابل دفتر احمدی نژاد در تهران و استانداری لرستان تجمع کردند، اما علیرغم وعده های مسئولین رژیم هیچ اقدامی جهت پرداخت مطالبات آنان انجام نشده است.